

خبر

روایت سه سال برنامه‌ریزی

در یکی از شرکت‌های زیرمجموعه

هلدینگ خلیج فارس

«اروند» بورسی می‌شود

شرکت پتروشیمی اروند، پس از سه سال برنامه‌ریزی، توانست مقدمات حضور در بازار سرمایه را فراهم کند. این شرکت زیرمجموعه هلدینگ خلیج فارس، در سال مالی ۱۴۰۲ سود خالص ۴٫۶ هزار میلیارد تومان داشت و توانست فروش سالانه خود را به رقم ۱۹٫۵هزار میلیارد تومان برساند. در واقع طی سه سال اخیر مجموع سودآوری اروند از مرز ۲۰ هزار میلیارد تومان گذشته و بدین ترتیب توانسته خود را برای حضور در بورس آماده کند. اما این فرآیند چگونه آغاز شد و به کجا رسیده است؟

سابقه ایجاد پتروشیمی اروند در منطقه ویژه اقتصادی بندر ماهشهر به حدود ۲۳ سال پیش برمی‌گردد که این شرکت کار خود را با همکاری شرکت آلمانی Uhde (اوده) کلید زد. زنجیره فعالیت شرکت نیز محصولات کتر، کاستیک، پی وی سی، آب ژاول و... بوده است. در واقع این زنجیره از «نمک دریایی» آغاز می‌شود و به محصولاتی با ارزش افزوده بالا می‌انجامد.

در بازار داخلی، پتروشیمی اروند، یکی از تأمین‌کنندگان اصلی محصولی به نام «کاستیک سود» است. این محصول که به «سود سوزاور» هم معروف است، در صنایع مختلفی به کار گرفته می‌شود. از جمله شوینده‌ها، نساجی، داروسازی و حتی فرآورق فلزات. در واقع «جامعه مصرف» این محصول، به گستردگی بیش از هزار مشتری متفاوت است. اما کاستیک سودا فقط در بازار ایران پرتعداد نیست. در بازارهای خارجی هم این محصول تولیدی «اروند» به عنوان صادرات عمده شناخته شده که در کنار پی‌وی‌سی، به بازارهای جهانی و منطقه‌ای صادر می‌شود. بازار عراق، کشورهای حوزه خلیج فارس، روسیه و بازار جدیدی مثل آسیای مرکزی عمده واردکننده‌های این محصولات هستند.

مدیران هلدینگ خلیج فارس به دنبال تکمیل زنجیره ارزش و سرمایه‌گذاری در صنایع پایین دستی نیز هستند. انتظار می‌رود که با عملیاتی شدن این استراتژی، «اروند» بتواند محصولاتی مثل فیلم‌های بسته‌بندی، لوله‌های پلیمری، قطعات صنعتی، تجهیزات پزشکی و برخی مصالح ساختمانی را نیز تولید کند که این اتفاق می‌تواند به توسعه بازارهای هدف در آسیای میانه، آفریقا، ترکیه و حتی اروپای شرقی کمک کند.

دسترسی پایدار به خوراک

اما «اروند» چگونه توانست در شرایطی که خیلی از مجتمع‌های پتروشیمی با مشکل تأمین خوراک مواجه‌اند، این چالش را خیلی سریع پشت سر بگذارد؟ پاسخ این سؤال، دسترسی پایدار «اروند» به خط تولید اتیلن است. همین عامل مهم تأمین پایدار خوراک، ریسک تولید را کاهش می‌دهد و موجب افزایش ظرفیت بهره‌برداری خواهد شد.

اتیلن در صنایع پتروشیمی با روش کراکینگ و بخار آب تولید می‌شود. در این روش، هیدروکربن‌های گازی و محلول‌های سبک هیدروکربن حاصل از نفت به مدت بسیار کوتاهی در دمای بالا (۷۵۰ تا ۹۵۰ درجه سانتی‌گراد) حرارت داده می‌شوند. هیدروکربن‌های بزرگ به هیدروکربن‌های کوچک شکسته می‌شوند و هیدروکربن‌های اشباع، با از دست دادن هیدروژن به غیراشباع تبدیل می‌شوند، بدین ترتیب مخلوطی از هیدروکربن به دست می‌آید که عمده‌ترین آن، «اتیلن» است و از روش تقطیر، جداسازی می‌شود. نیروی انسانی و فناوری، دو بال تولید هستند. نیروی انسانی متخصص، آموزش دیده و خلاق است که با دانش فنی روز و تجربه عملیاتی تلفیق می‌شود و همزمان با تحولات پرشتاب بازار صنعت و انرژی، خود را به روز نگه می‌دارد.

استراتژی «اروند» در وهله اول، سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی بوده؛ با اولویت قرار دادن برنامه‌آموزش، ارتقای مهارت و انگیزش کارکنان. اما در بخش دوم، نوسازی مستمر مورد تأکید قرار گرفته است.

در کنار نیروی انسانی، طرح بلندمدتی هم در «اروند» پیاده شده است. این طرح در واحدهای کتر آلکالی (فرآیند صنعتی برای الکترولیزه کردن محلول‌های کلرید سدیم صنتی)، کوره‌های وینیل کلرید (VCM) یک ماده شیمیایی مهم صنعتی) و برج‌های خنک‌کننده و کارخانه شست و شوی نمک انجام شده تا کیفیت محصولات هم در سطح استانداردهای جهانی قرار بگیرد.

عبور از ناترازی انرژی

در روزهایی که هنوز کسری و ناترازی انرژی سایه سنگین بر صنعت کشور انداخته، چاشنی که بویژه در پاییز و زمستان گذشته نفس صنعت ایران را به شماره انداخت؛ «اروند» از بوتیلیتی تولید شده در منطقه ویژه اقتصادی بندر ماهشهر بهره برد تا خط تولید خود را بی‌وقفه پیش ببرد.

واحد بوتیلیتی (Utility Unit) به بخشی از تأسیسات یا سیستم‌های یک کارخانه یا بخش‌های صنعتی اشاره دارد که وظیفه تأمین انرژی، تأمین مواد اولیه یا خدمات پشتیبانی لازم برای فرآیندهای اصلی تولید را برعهده دارد. این واحدها معمولاً به عنوان بخش حیاتی از زیرساخت‌های صنعتی عمل می‌کنند و بدون آنها، بخش‌های اصلی سیستم تولید نمی‌توانند به درستی کار کنند. واحدهای بوتیلیتی یا لایشگاه عمدتاً شامل سیستم‌های تولید برق و بخار، سیستم‌های تصفیه آب و فاضلاب، واحدهای تولید یا ذخیره نیتروژن، کمپرسورهای هوا، سیستم‌های سوخت و نهایتاً اطفای حریق است. حالا با «رضه اولیه»، پتروشیمی «اروند» در روزهایی که بورس نیز روزهای سبزی را پشت سر می‌گذراند؛ حلقه تکمیلی از استراتژی چندوجهی و بلندمدت خواهد بود. برای حضور «اروند» در بورس، نیاز به شفافیت در تراز مالی، ظرفیت تولید پایدار و بازار صادراتی مستقر دارد که تا اینجا بخش بزرگی از این سه‌گانه رخ داده است.

اقتصادی

تولید سیمان و فولاد در پی خاموشی ها دچار وقفه شد

شوک خاموشی به صنعت

گزارش خبری- تحلیلی

ایلیپیرولی

گروه اقتصادی

درحالی‌که صنایع انرژی‌بر ایران هر سال در تابستان با محدودیت‌های برقی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، قطعی زودهنگام برق در اردیبهشت ۱۴۰۴، تولید را دچار وقفه می‌کند.

توقف ۱۵ روزه تولید در کارخانه‌های سیمان و فولاد، زنگ هشدار برای اشتغال، بازار مسکن، رشد اقتصادی و صادرات غیر نفتی است.

وقتی پیامک «محدودیت مصرف برق تا سقف ۱۰ درصد دیماند» دیروز به گوشی مدیران کارخانجات سیمان و فولاد رسید، برای بسیاری از فعالان صنعتی، این پیام، یادآور تابستان‌های تلخ سال‌های گذشته بود. با این تفاوت که این بار، خاموشی‌ها نه در تیر و مرداد، بلکه در اردیبهشت‌ماه، در اوج نیاز به تولید برای ذخیره‌سازی تابستان، آغاز شده است.

حالا با وقفه‌های تولیدی که به گفته کارشناسان، مستقیم از ناترازی برق و گاز ناشی می‌شود و با اعلام محدودیت ۱۵ روزه، فولادی‌ها عملاً فقط امکان روشن نگه‌داشتن چراغ‌ها را دارند، نه ماشین‌آلات تولید را. کارشناسان می‌گویند، اگر امروز خط تولید کارخانه‌های سیمان و فولاد ایران متوقف شود، قاعدتاً تأثیرات سوپی بر پروژه‌های عمرانی، وضعیت اشتغال و افزایش قیمت‌ها خواهد داشت.

قطعی برق زودهنگام؛

ضربه‌ای به ذخیره‌سازی استراتژیک

علی‌اکبر الوندیان، دبیر انجمن صنفی صنعت سیمان به خبرگزاری ایسنا گفته بود: «خاموشی ناگهانی و زودهنگام می‌تواند زنجیره تأمین کلینکر را مختل کند؛ مادمای کلیدی که پایه تولید سیمان است.» این



فولاد: زنجیره‌ای که زنگ خطر را

زودتر شنید

کاهش تولید فولاد در اثر قطع برق نیز تنها به ژانویه ۲۰۲۵ (دی ماه پارسال) محدود نمی‌شود، بلکه در ماه‌های ابتدایی سال ۱۴۰۳ نیز این روند تجربه شده بود. در مقایسه با ۱۰ ماهه اول سال ۱۴۰۲، تولید فولاد خام کشور ۵.۵ درصد کاهش یافته است.

علاوه براین، تولید بیلت و بلوم نیز با افت ۷.۲ درصدی روبه‌رو بوده که زنگ خطری جدی برای این صنعت محسوب می‌شود. ازسوی دیگر، صادرات فولاد خام ایران نیز روندی نزولی را تجربه کرده است. در ۱۰ ماهه اول سال ۱۴۰۲، حجم صادرات فولاد خام کشور ۶.۳ میلیون تن بود، اما در بازه مشابه سال ۱۴۰۳ این میزان به ۵ میلیون تن کاهش یافت که نشان‌دهنده افت ۲۱ درصدی است. همچنین، محصول اسلب که

سقوط رتبه جهانی ایران

در سال ۱۴۰۳، ایران که زمانی در جایگاه ششم جهانی تولید سیمان قرار داشت، به دلیل همین ناترازی‌ها، دو پله سقوط کرد و به رتبه هشتم رسید. تولید سیمان کشور نیز در هشت ماهه اول ۱۴۰۳، به ۴۸ میلیون تن رسید که ۴۰۰ هزار تن کاهش نسبت به سال پیش تر داشته است.

بازآفرینی شهری فرآیندی برای توسعه درونی شهرها

یادداشت



معاون برنامه‌ریزی و ساماندهی شرکت بازآفرینی شهری ایران

بداله‌آقایی

بازآفرینی شهری فرآیندی است که به احیا و نوسازی بافت‌های ناکارآمد، فرسوده یا حاشیه‌ای شهر با تأکید بر استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود (مانند اراضی بایر، خالی یا تاریخی) می‌پردازد. توسعه درونی، برخلاف گسترش افقی، بر استفاده از اراضی داخل محدوده شهر تمرکز دارد و از طریق افزایش تراکم، اختلاط کاربری‌ها و بهسازی زیرساخت‌ها و کاهش هزینه‌های توسعه زیرساختی از تخریب اراضی کشاورزی و محیط زیست جلوگیری می‌کند.

افزایش محدوده شهرها به عنوان راهکاری برای پاسخگویی به نیازهای توسعه شهری، اغلب با نفعاتی نظیر کاهش انگیزه برای نوسازی بافت‌های فرسوده، تهی شدن این بافت‌ها و گسترش بی‌رویه شهرها همراه است. بند الف تبصره ۱۰ قانون بودجه ۱۴۰۴ و لزوم اختصاص ۱۰ درصد از اراضی الحاقی برای تأمین سرانه‌های خدماتی و بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد، رویکردی نوین برای توسعه درونی و پایدار شهرها ارائه کرده است. با بررسی ابعاد این سیاست، فرصت‌ها، چالش‌ها و تأثیرات آن مشخص می‌شود.

گسترش محدوده شهرها، اگرچه در کوتاه‌مدت نیازهای مسکن و زیرساختی را تأمین می‌کند، اما در بلندمدت چالش‌هایی ایجاد می‌کند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. **کاهش انگیزه برای نوسازی:** اراضی جدید در حاشیه شهرها به دلیل قیمت پایین‌تر و دسترسی آسان‌تر، سرمایه‌گذاران و مالکان را از نوسازی بافت‌های فرسوده در مرکز شهر باز می‌دارد.

۲. **تهی شدن بافت‌های مرکزی:** کاهش سرمایه‌گذاری در بافت‌های ناکارآمد، مهاجرت ساکنان به مناطق جدید را تسریع کرده و این بافت‌ها را به مناطقی متروکه و ناامن تبدیل می‌کند.

۳. **هزینه‌های بالای زیرساختی:** ایجاد زیرساخت‌های جدید در حاشیه شهرها هزینه‌های سنگینی به دولت و شهرداری‌ها تحمیل می‌کند.

۴. **تخریب محیط‌زیست:** الحاق اراضی جدید اغلب با تغییر کاربری اراضی کشاورزی یا طبیعی همراه است که به تخریب منابع طبیعی منجر می‌شود.

بر اساس بند الف تبصره ۱۰ قانون بودجه ۱۴۰۴، وزارت راه و شهرسازی مکلف است ۱۰ درصد از اراضی الحاقی موضوع تبصره ۱۰ بند

بازار مسکن، اولین قربانی

بازار مسکن، اولین قربانی کاهش عرضه سیمان و فولاد خواهد بود. اغلب سازندگان براین باور هستند که ادامه این روند، هزینه تمام‌شده ساخت مسکن را افزایش خواهد داد. این در حالی است که طبق اعلام مرکز آمار، سهم مصالح در بهای تمام‌شده مسکن، بیش از ۴۰ درصد است.

پروژه‌های ملی در مسیر توقف؛ فرار سرمایه تشدید می‌شود

با ادامه بحران انرژی، پروژه‌های زیرساختی کشور از جمله راه‌آهن، سدها و آزادراه‌ها نیز دچار مشکلاتی خواهند شد. این نفع‌تها بسیار تو توسعه را کند می‌کند، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را نیز به‌خطر می‌اندازد.

تحلیل‌گران بازار سرمایه در این باره می‌گویند: «با بی‌ثباتی در تولید، هیچ سرمایه‌گذاری ریسک ورود به صنایع پایین‌دستی فولاد و سیمان را نمی‌پذیرد.» بسیاری از پروژه‌های ملی، از جمله راه‌آهن، سدها و بزرگراه‌ها، به دلیل کمبود سیمان و فولاد نیمه‌کاره‌ها خواهند شد. این موضوع نفع‌تها توسعه کشور را به تأخیر می‌اندازد، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی را نیز از بین می‌برد.

تأثیر بر صادرات و ذخایر ارزی

ایران یکی از صادرکنندگان اصلی سیمان و کلینکر در منطقه است. به گفته الوندیان، سیمان سفید ایران به ۲۲ کشور از جمله کره جنوبی صادر می‌شود. توقف تولید، نفع‌تها باعث از دست رفتن بازارهای صادراتی می‌شود، بلکه در صورت نیاز به واردات، فشار بر منابع ارزی کشور را تشدید خواهد کرد.

توقف ۱۵ روزه تولید سیمان و فولاد، یک هشدار جدی است. اگرچه پدیده‌ای به نام ناترازی انرژی، نبض اغلب صنایع را در دو سه سال اخیر نامنظم کرده است، اما اعلام ناگهانی توقف تولید سیمان و فولاد به مدت ۱۵ روز آن هم از روز گذشته وضعیت را دشوار تر خواهد کرد.

همچنین ایران یکی از صادرکنندگان عمده سیمان و فولاد در منطقه است. توقف تولید، درآمد‌های ارزی کشور را کاهش می‌دهد و کسری تراز تجاری را تشدید می‌کند. از سوی دیگر کشور اگر مجبور به واردات این مواد شود، فشار بر ذخایر ارزی بیشتر خواهد شد.

تأثیرات بلندمدت بر توسعه شهری

این سیاست می‌تواند پارادایم توسعه شهری را از رشد افقی به توسعه درونی تغییر دهد. با احیای بافت‌های فرسوده و تأمین سرانه‌های خدماتی، شهرها ایمن‌تر، کارآمدتر و پایدارتر می‌شوند. کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی، حفظ اراضی کشاورزی و ترویج رشد همگون، از دیگر پیامدهای مثبت این سیاست است. با این حال، موفقیت آن به تداوم اجرا، جلب مشارکت بخش خصوصی و شهروندان و رفع موانع اجرایی بستگی دارد.

پیشنهادهات برای بهبود اجرا

۱. **تدوین آیین‌نامه‌های شفاف برای الحاق اراضی و طرح کلید به کلید:** وزارت راه و شهرسازی باید آیین‌نامه‌های اجرایی دقیقی برای تهاتر، نوسازی و طرح کلید به کلید (مشابه آیین‌نامه اجرایی تدوین‌شده برای بند الف ماده ۵۲ قانون برنامه هفتم) تدوین کند. همچنین، آیین‌نامه‌ای مشابه برای الحاق اراضی به محدوده شهرها با تأکید بر شفافیت در ارزش‌گذاری، تخصیص و مدیریت منابع تهیه شود تا از ابهامات و تأخیرها جلوگیری شود.

۲. **افزایش مشوق‌های مالی:** ارائه تخفیفات بیشتر (افزاتر ۴۰ درصد) و تسهیلات بانکی به مالکان و سرمایه‌گذاران، مشارکت را تقویت می‌کند.

۳. **مشارکت بخش خصوصی:** ایجاد شرکت‌های توسعه‌گر با همکاری بخش خصوصی، منابع مالی و اجرایی را افزایش می‌دهد.

۴. **اطلاع‌رسانی عمومی:** برنامه‌های آموزشی برای ساکنان بافت‌های فرسوده، اعتماد و مشارکت آنها را جلب می‌کند.

۵. **افزایش سهم اراضی:** افزایش درصد اراضی اختصاص یافته به ۱۵ یا ۲۰ درصد، اثربخشی سیاست را تقویت می‌کند.

۶. **نظارت قوی:** تشکیل کمیته‌های نظارتی با حضور نمایندگان دولت، شهرداری‌ها و تشکل‌های مردمی، از انحراف منابع جلوگیری می‌کند.

۷. **دائمی بودن طرح در لایح بودجه سنوای:** برای تضمین تداوم سیاست و جلوگیری از توقف آن به دلیل محدودیت‌های قوانین بودجه سالانه، لازم است این طرح به صورت یک ماده قانونی دائمی در لایح بودجه سنوای گنجانده شود یا به قانون دائمی تبدیل شود.

۸. **اختصاص اراضی پشتیبان برای همه شهرهای دارای بافت فرسوده:** برای رفع نابرابری بین شهرها و تأمین نیازهای خدماتی، باید اراضی پشتیبان برای تمامی شهرهای دارای بافت فرسوده و ناکارآمد، فارغ از محدودیت ۱۰ درصد اراضی الحاقی، به‌منظور توسعه خدمات زیربنایی و رونمایی اختصاص یابد. این اقدام به‌ویژه در شهرهای کوچک‌تر که الحاق اراضی محدودتری دارند، ضروری است.

به گستردگی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد (۱۷۷ هزار هکتار)، این میزان ممکن است پاسخگوی نیازهای بازآفرینی نباشد.
۴. **جدایی اراضی جدید:** اراضی حاشیه شهر به دلیل قیمت پایین‌تر، همچنان برای سرمایه‌گذاران جذاب‌تر هستند و می‌توانند اثربخشی سیاست را کاهش دهند.
۵. **محدودیت‌های مالی:** تأمین منابع اولیه برای آماده‌سازی اراضی و اجرای پروژه‌های زیرساختی، حتی با وجود تهاتر و مولدسازی، همچنان چالش برانگیز است.

چالش‌های اجرایی و موانع پیش رو

۱. پیچیدگی های تهاتر و مولدسازی:

اجرای این روش‌ها نیازمند هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و آیین‌نامه‌های شفاف است.

۲. **مقاومت مالکان:** برخی مالکان به دلیل دل‌بستگی به املاک یا عدم اعتماد به ارزش‌گذاری واحدهای معوض در طرح کلید به کلید، ممکن است مشارکت نکنند.

۳. **ناکافی بودن ۱۰ درصد اراضی:** با توجه

✂

برش